

برای آنان که می اندیشند.

آفتاب عشق

نارک اندیشه

هرمز انصاری

پیش سخن

برخی نویسندگان ها آن قدر توضیح می دهند و فکر خواننده را انباشته از گفته های خود می کنند که دیگر جایی برای حرف تازه نمی ماند.

گاهی حل مسئله را قبل از صورت آن می آورند یا طور دیگر از دیگری نقل می کنند که این است و جز این نیست و خواننده باید بپذیرد.

برای کوتاه نویسی نوشته طور دیگری است، که نویسنده را وادار می کند فکر کند

مستحق است یا بپذیرد.

طور دیگری می گویم

آن ها که توضیح زیاد می دهند

یا از دیگران نقل می کنند

و می گویند این است و جز این نیست،

فکر شنونده و خواننده را

تا آنجا انباشته و پر می کنند

که در آن دیگر جایی برای چیز تازه نیست

در حالی که کوتاه نویسی وادار می کند که

از چیز کوچک چیز بزرگ بسازند،

که نمونه هایی بیاورند؛ مثال هایی بزنند

فکر کنند آن چه در زندگی شان اتفاق افتاده

درست بوده است یا نه،

و اگر بوده، چه نتیجه ای از آن گرفته اند.

وقتی برای گفته دیگری
ارزش زیادی قائل می شویم
و مجبور می کنیم شنونده یا خواننده را
آن را بپذیرد
آدم ها سطحی بار می آیند -

مطلع ترین شان
فقط از دیگران نقل قول می کنند
از دیگران حفظ می کنند -
روشن حساب کردن ناشی از همین است
و ادراک می کنند آدم ها را که بپذیرند
"این است و جز این نیست".

به همین علت فکر می کنند،
ابتکار به کار نمی آید
گفته را باز و بسته نمی کنند،
جلو و عقب نمی برند

کوتاه نویسی اسمش سر خودش است
یعنی حرفی که می زنی،
پیامی که می فرستی
آن قدر کوتاه باشد که مفهوم باشد
توضیح زیادی نداشته باشد.